

## تبیین ماهیت پول در چهارچوب «نظریه اعتباریات علامه طباطبایی»

محمد اسماعیل توسلی

استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

metavassoli@gmail.com

### چکیده

در تاریخ تغییر و تحولات تکاملی پول به مرحله‌ای رسیدیم که اسکناس، که تا پیش از این رسید و حواله پول طلا و نقره بود، عرف نگرش استقلالی به آن پیدا کرد و در ادامه با پیشرفت فناوری به نسخه الکترونیکی و دیجیتالی اسکناس و سکه رسیدیم که بی ماده فیزیکی محض هستند؛ از این رو، این پرسش اساسی پیش آمد که پول کنونی از حیث ماهیت و حقیقت چیست؟ پاسخ به این پرسش هم برای اقتصاد اسلامی و هم برای اقتصاد متعارف غرب مهم و اساسی است. با مرور اجمالی نظریات ماهیت پول روشن است که اهم این تحلیل‌ها بر محور اعتباریات می‌گردند؛ بنابراین، برای فهم بهتر این تحلیل‌ها ابتدا با اعتبار و اعتباریات در فلسفه و ارتباط آن با شناخت ماهیت پول آشنا می‌شویم. سپس با روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی این تحلیل‌ها و ارائه شناختی کامل‌تر و صحیح‌تر از ماهیت پول با ابتنابر رویکرد اعتباریات علامه طباطبایی (ره) و آموزه‌های امور عامه فلسفه و روش رئالیسم پرداخته می‌شود. آنگاه احکام فقهی و نتایج اقتصادی حاصل از عمل براساس این تحلیل‌ها بیان می‌شود که تأثیر زیادی بر اتخاذ

سیاست‌های پولی مناسب در نظام اسلامی بر جا می‌گذارد.  
**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد اسلامی، ماهیت پول، اعتباریات، علامه طباطبایی.

### مقدمه

تا هنگامی که پول به شکل سکه‌های طلا و نقره در جریان بود ماهیت فلزی آن برای همگان قابل تشخیص بود و یک سکه‌شناس و صراف می‌توانست مقدار عیار طلا و نقره سکه‌ها را تشخیص دهد. اما در تاریخ تغییر و تحول تکاملی پول به دوره‌ای می‌رسیم که دولت‌ها به‌خاطر تأمین هزینه‌های نظامی و تأمین مالی کسر بودجه، راحت‌ترین راه برای کسب درآمد را در استفاده از انتشار پول اضافی به‌صورت اسکناس بدون تضمین پرداخت طلا و نقره آن دیدند (فریدمن<sup>۱</sup>، ۱۳۵۷: ص ۲۹). آنها به تدریج فهمیدند به‌خاطر ویژگی‌های خاص پول می‌توانند قابلیت تبدیل را کاهش داده و در نهایت قطع کنند و هیچ مشکلی در امر پولی پیش نیاید. در نتیجه این امر، اسکناس که تا پیش از این تنها رسید طلا و نقره بود و در حقیقت رسید پول بود خود مستقلاً پول شود و عرف، نگرش استقلالی به آن داشته باشد. پس از این بود که پرسش‌های اساسی زیر درباره ماهیت این پول رخ داد: ۱. آیا اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است یا نه؟ ۲. ارزش این اسکناس از کجا می‌آید؟ ۳. اگر واحد ارزش در یک کشور مقدار معینی طلا و یا نقره که به شکل مسکوک جریان دارد، نباشد، پس واحد ارزش چیست؟ ۴. هنگامی که گفته می‌شود فلان کالا ۱۰۰۰۰۰ ریال ارزش دارد، چه چیزی معرّف هر یک از این ریال‌ها است؟ پرسش‌ها به همین جا خاتمه نیافت بلکه با آمدن پول الکترونیکی که بی‌مادّه فیزیکی محض است و حتی کاغذ بی‌ارزش اسکناس را هم ندارد، پرسش‌های دیگری بر آن افزوده شد که عبارت‌اند از: ۵. چرا و چگونه کالاها می‌توانند با اعداد و ارقام جایگزین شوند؟ ۶. چرا ماهیت پول دیگر فیزیکی نیست؟ (Simmel, 1990: pp 20-119). این امر موجب ابهام در حقیقت و چیستی پول کنونی شده و پرسش‌های متعددی را در برابر فقها قرار داده است. پاسخ به پرسش درباره ماهیت پول نه تنها برای اقتصاد اسلامی مهم و حیاتی است، برای علم اقتصاد هم مهم و اساسی است. راسی (Rossi, 2007: pp 9) در اهمیت شناخت ماهیت پول می‌گوید، پرسش‌های اصلی و عمده‌ای که همچنان امروزه مورد بحث و منازعه است به ریشه‌های ماهیت پول در اقتصاد مدرن می‌رسد. آنها با تأکید خاص و ویژه‌ای می‌پرسند: پول چیست؟ ارزش پول از کجا می‌آید؟ پول چگونه ایجاد می‌شود؟

1 . Friedman

به عقیده راسی برای پاسخ به این پرسش‌ها و بسیاری از پرسش‌های دیگر ابتدا باید از گره ماهیت پول خارج شد و آن را باز کرد. با وجود سادگی پول در ظاهر، درحقیقت یک پرسش بسیار و به‌شدت پیچیده است. بیان شومپیتر شدت این پیچیدگی را به‌خوبی روشن می‌کند. وی می‌گوید (Schumpeter, 1994: p 289)، اشاره با دقت به دیدگاه‌های مختلف درباره پول به‌سختی شناساندن ابرهای تیره و تاریک حرکت است. در سختی پاسخ به این پرسش همین بس که کینز برای شناخت پول و آثارش به‌مدت پنج یا شش سال در دهه ۱۹۲۰ به مطالعه علم اوزان و مقادیر و دانش سکه‌شناسی پرداخت تا بتواند به خاستگاه تاریخی و منطقی پول در تمدن‌های باستانی شرق نزدیک دست پیدا کند. این کار کینز همان‌گونه که خود اشاره دارد به «جنون بابلی»<sup>۱</sup> مشهور شده است. به گفته اینگام (Ingham, 2000: p 16)، کینز گاهی‌گاهی به این فکر می‌کرد که مطالعه‌اش کاملاً بیهوده و بی‌فایده است. با این وجود تا حد جنون در این مطالعه غرق می‌شد. به عقیده اینگام، این روش تحقیق نسبت به روش‌های دیگر فهم بهتری از پول به ما داده است. با همه این تلاش‌ها، بافینگر (Bofinger, 2001: p 3) معتقد است با وجود گذشت ۲۰۰ سال از عمر اقتصاد پولی، درحقیقت اغراق نیست که ادعا کنیم تعریف پول و شناخت آن همچنان به‌عنوان یک مسئله حل نشده باقی مانده است.

اینکه اندیشه‌وران اقتصادی غرب با این جدیت به دنبال نظریه‌پردازی درباره ماهیت پول و شناخت آن هستند، یکی از دلایل مهم آن به‌خاطر آثار و نتایجی است که شیوه اجرای سیاست‌های پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل اشتغال و سطح عمومی قیمت‌ها بر جا می‌گذارد. به‌عنوان نمونه، نوچارتالیست‌ها (neo-chartalists) که یکی از دو مکتب عمده نظریه‌پردازی ماهیت پول هستند برای به‌دست آوردن و رسیدن به اشتغال کامل هم‌زمان با تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها برنامه‌ای را تدارک دیدند.<sup>۲</sup> اساس این برنامه بر شناختی از ماهیت پول استوار است که به نظریه چارتالیسم در ادبیات اقتصادی غرب مشهور شده و کسانی همچون کینز طرفدار آن هستند. به‌طور کلی دو نظریه و مکتب اصلی در اقتصاد غرب درباره ماهیت پول قابل شناسایی است: ۱. نظریه فلزگرایی<sup>۳</sup> یا نظریه پول‌کالایی<sup>۴</sup> با رویکرد حقیقی؛ ۲. نظریه فرمان‌گرا<sup>۵</sup> با رویکرد اعتباری.

1. Babylonian madness.

۲. ر.ک : [www.cfeps.org](http://www.cfeps.org).

3. Metalism

4. Commodity money

5. Chartalism

این دو اصطلاح را ابتدا ناپ در ۱۹۰۵ استفاده کرده بود (Knapp, 1924). هدف این دو مکتب توضیح ریشه‌ها، ماهیت و ارزش پول در چهارچوب منطقی و تاریخی است. پایه و ریشه اصلی نامگذاری متالیزم به این اندیشه برمی‌گردد که پول یک کالا است و اغلب به شکل فلز گران‌قیمت در جریان بوده است. در مقابل، براساس چارتالیزم، پول یک رابطه و ارتباط اجتماعی مستقل از هر ماده‌ای است که پول در قالب آن نمود پیدا می‌کند. در این نظریه پول یک مطالبه یا اعتبار یا بستانکاری است که به‌وسیله ارتباط اجتماعی تأسیس شده است؛ به طوری که مستقل از تولید و مبادله کالا وجود دارد (Ingham, 2004: P 12).

در بین اندیشه‌وران اسلامی هم دو نظریه اصلی را می‌توان از هم تفکیک کرد، نظریه قدرت خرید که براساس آن تمام حقیقت و هویت اسکناس «قدرت بر خرید» است. این قدرت خرید به‌وسیله مرجعی معتبر به آن داده شده است و نظریه ارزش اسمی که مقوم ثلثیت پول کنونی است و ماهیت آن را فقط در ارزش اسمی و به اعتبار قانون می‌بینند. این دو رویکرد هر دو اعتباری هستند. با مرور اجمالی این تحلیل‌ها روشن است که اهم این تحلیل‌ها بر محور اعتباریات می‌گردند؛ از این رو، برای فهم بهتر این تحلیل‌ها بایستی ابتدا با اعتبار و اعتباریات در فلسفه و ارتباط آن با شناخت ماهیت پول آشنا شویم. سپس با روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی این تحلیل‌ها و ارائه شناختی کامل‌تر و صحیح‌تر از ماهیت پول با اتنا بر رویکرد اعتباریات علامه طباطبایی (ره) و آموزه‌های امور عامه فلسفه و روش رئالیسم می‌پردازیم. آنگاه احکام فقهی و نتایج اقتصادی حاصل از آن که تأثیر زیادی بر اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب در نظام اسلامی بر جا می‌گذارد به اجمال طرح می‌شود.

### منظور از اعتبار چیست؟

هنگامی که گفته می‌شود پول کنونی اعتباری است، منظور از این اعتبار<sup>۱</sup> فرض، قرارداد، جعل و آفرینش است. علامه طباطبایی (ره) در بحث اعتباریات و علوم غیر حقیقیه (طباطبایی، بی تا: صص ۲۹۳-۲۸۱) اعتبار را عبارت از «اعطای حد چیزی به شیء دیگری که این حد را ندارد» دانسته است. در توضیح این معنا می‌توان گفت که گاه یک شیء، مصداق حقیقی یک مفهوم است؛

۱. در اینجا اعتبار به مفهوم credit نیست. به معنای جعل فلسفی است و جعل در لغت به معنای قرارداد و خلق کردن است و در اصطلاح فلسفه، اعطای واقعیت به شیئی است که واقعیت، ذاتی آن نباشد. معادل انگلیسی constructional است و مفاهیم ادراک ذهنی، فرض، قرارداد و خلق (conceptual + supposition + contract + creating) در آن نهفته است.

مانند رأس در بدن که مصداق حقیقی رأس است؛ باین حال، گاهی نیز شیء مصداق حقیقی رأس نیست، ولی به سبب غرضی، عقلاً آن شیء را مصداق رأس فرض و اعتبار می‌کنند؛ مانند اعتبار ریاست جمهوری برای یک شخص. روشن است که او رأس حقیقی جمهور نیست، اما عقلاً برای بقای حیات اجتماعی و حفظ آن از زوال، رأس بودن برای جمهور را برای او اعتبار می‌کنند. وی (همان) در ادامه نتیجه گرفته است: ۱. این معانی وهمیه در ظرف توهم مطابق دارند، گرچه در ظرف خارج مطابق ندارند؛ ۲. این مصادیق تازه دارای این حدود هستند تا جایی که احساسات و دواعی موجودند؛ ۳. هریک از این معانی وهمی روی حقیقی استوار است؛ ۴. این معانی وهمی در عین حال که غیر واقعی هستند آثار واقعیه دارند. به اعتقاد شهید مطهری (ره) ادراکات اعتباری در مقابل ادراکات حقیقی است (طباطبائی، بی تا: ص ۲۶۹). ادراکات حقیقی، انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع و نفس الامر است. اما ادراکات اعتباری، فرض‌هایی است که ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی، آنها را ساخته و جنبه وضعی و قراردادی و فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس الامر سروکاری ندارد. ادراکات اعتباری برخلاف ادراکات حقیقی، تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیط است و با تغییر آنها تغییر می‌کند. علوم اعتباری، علمی است که رابطه میان انسان و حرکات فعلی او است و انسان با اعمال قوای فعاله خود این علوم را تهیه می‌کند و از این رو، این علوم و ادراکات، مطابق خارج از ذهن ما ندارند. به اعتقاد علامه طباطبائی (همان: ص ۱۳۸)، علوم و ادراکات آدمی دو گونه است: یکی واقعی و حقیقی، و دیگری اعتباری. علوم و ادراکات واقعی از خارج و هستی حکایت می‌کنند و علوم و ادراکات اعتباری، گرچه از جهاتی با جهان واقع نسبت و ارتباط دارند؛ به این معنا که منشأ هستی‌شناختی دارند، از خارج الگو می‌گیرند، در خارج عمل و تصرف می‌کنند، به نتیجه خارجی نظر دارند؛ اما از خارج حکایت نمی‌کنند، بلکه مقام آنها مقام جعل و اعتبار و آفرینش و قرارداد و فرض است و از این جهت به استعاره مشابهت دارند. از گفتار علامه طباطبائی (طباطبائی، بی تا: صص ۳۴۲-۲۸۲) استفاده می‌شود که این نظام طبیعت است که با قراردادن ساختمان ویژه وجودی برای انسان، او را به گونه‌ای قرار داده که برای برطرف کردن احتیاجات وجودی خود، به علوم و ادراکات اعتباری روی آورد و بدین گونه می‌خواهد آثاری واقعی و حقیقی در خارج ایجاد کند و از این ساختمان وجودی و مکانیزم خاص، طی طریق ویژه انسان در مسیر حرکت تکاملی او را در نظر داشته است. علامه طباطبائی (ره) اعتباریات را براساس وابستگی یا عدم وابستگی به اجتماع، به دو گروه تقسیم می‌کند. اعتباریات پیش از اجتماع که عبارت‌اند از وجوب، حسن و قبح، انتخاب اخف و آسول، استخدام و اجتماع و متابعت علم و همچنین، اعتباریات پس از اجتماع که شامل اصل ملک، کلام و سخن، ریاست و مرنوسیت و

لوازم آنها می‌شود. از تحلیل علامه طباطبایی (همان) به دست می‌آید که همه اعتباریات اجتماعی، در اساس و بنیاد متغیر بوده و در معرض تحول و دگرگونی‌اند و اعتبارات ثابت، اعتباریات پیش از اجتماع هستند که با هر شخص انسانی همراه‌اند و در نسبت میان انسان و ماده خارجی ظهور و بروز دارند؛ بنابراین، احکام و قوانین ناظر به فرد انسان و ارتباط او با جهان خارج ثابت و احکام و قوانین ناظر به ارتباط انسان با جامعه و احکام و قوانین اجتماعی که در جامعه متحقق می‌شوند، متغیر و پویا هستند.

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که اگرچه جهان اعتبار و واقعیات دو جهان هستند، اما بالأخره با هم در تعامل و ارتباط هستند و اعتبارات یا مفاهیم اعتباری یک نحوه کپی از حقایق مفاهیم واقعی هستند. استاد مطهری (ره) (۱۴۰۳ق: صص ۴۶ و ۴۷) در همین رابطه می‌فرماید: «تعریف و شناخت این مفاهیم اعتباری به این است که بدانیم این اعتبارات از چه حقایقی اخذ و کپی شده است. زیرا در فلسفه در جای خود ثابت شده است که همه اعتبارات در نهایت به نحوی به حقایق مربوط می‌شوند و امور اعتباری که کپی و به اصطلاح فرد ادعایی واقعیات‌اند، به نحوی باید منشأ واقعی داشته باشند و گرنه ذهن بشر ابتدا به ساکن و به صورت ابداع مطلق، قدرت جعل هیچ اعتباری را ندارد... در بحث از احکام اعتباری به آنجا می‌رسیم که این احکام به منزله آلات و ابزاری شعوری هستند که طبیعت انسان، به جای غرایز و ابزار طبیعی و مادی در اختیار خود در آورده است و هدف از ایجاد آنها کمک هر چه بیشتر به طبیعت و هماهنگی با آن، و هر چه بیشتر طبیعت را به سوی مقصد و کمال هدایت کردن است، یعنی ماهیت احکام اعتباری ماهیت آلی و وسیله‌ای است.»

### تفاوت مفهوم و ماهیت

به طور کلی، مفهوم شامل مفاهیم حقیقی و اعتباری می‌شود و منظور از ماهیت مفهوم حقیقی است که معقول اولی هم نامیده می‌شود. مفاهیم اعتباری غیرحقیقی و غیر ماهوی هستند و این قابلیت را ندارند که هم در ذهن و هم در خارج موجود باشند و درباره چنین مفاهیمی باید گفت که میان مفهوم و مصداق عینیت برقرار نیست، اما ماهیات با افرادشان تطابق ذاتی دارند؛ بنابراین، از طریق مفهوم نمی‌توان به حقیقت مصداق دست یافت. اما پاسخ تفصیلی به تفاوت مفهوم و ماهیت و ویژگی‌های آن به شرح زیر است:

اولاً، مفهوم اعم از ماهیت است. مفهوم حقیقی که به آن معقول اولی نیز گفته می‌شود همان ماهیت است. البته ماهیت به حمل شایع یعنی مفاهیمی مانند سیاهی، سفیدی، سنگ، چوب

و نظایر آن، نه ماهیت به حمل اولی که خود یک مفهوم اعتباری در شمار معقولات ثانوی است (شیروانی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۰). معقولات ثانوی برخلاف مفاهیم حقیقی، اعتباری و غیر ماهوی هستند و این قابلیت را ندارند که هم در ذهن بیابند و هم در خارج موجود شوند. درباره این گونه مفاهیم باید گفت که میان مفهوم و مصداق، عینیت برقرار نیست و حملشان بر مصادیقشان بسان حمل ماهیت بر افرادش نیست که یک تطابق ذاتی میانشان برقرار باشد و از طریق مفهوم بتوان به حقیقت مصداق راه یافت. این گونه مفاهیم خود بر دو گونه اند: معقول ثانوی فلسفی و معقول ثانوی منطقی. معقول ثانوی فلسفی برخلاف ماهیت که نسبت به خارجیت و منشائیت برای آثار لابشرط و لاقتضا است، عین واقعیت و ترتب آثار است یعنی مفاهیمی اند که حیثیت مصادقشان حیثیت در خارج بودن و منشأ آثار خارجی بودن است مانند وحدت و کثرت، قوه و فعل، وجوب و امکان، علت و معلول. معقولات ثانوی منطقی مفاهیمی هستند که از این جهت با ماهیت تفاوت دارند که حیثیت مصادقشان، بودن در ذهن است و از این رو، محال است که در خارج تحقق یابند (شیروانی، همان: ص ۱۵۷ و ۱۵۸). مثل اینکه می‌گوییم: «انسان کلی است». مسلماً ظرف اتصاف انسان به کلیت در ذهن است. انسان خارجی یک امر جزئی و خاص است و انسان خارجی هیچ‌گاه کلی نیست، ظرف عروض کلیت بر انسان نیز، ذهن است، زیرا کلیت صفتی است که فقط بر وجود ذهنی انسان اطلاق می‌شود، یعنی محمولی است که موضوعش در ذهن وجود دارد، نه در خارج. ثانیاً، ماهیت گاهی به وجود خارجی و گاهی به وجود ذهنی موجود می‌شود و خارجیت و ذهنیت عین ذات او نیست اما مفهوم که در مقابل ماهیت است، محال است که در خارج یافت شود؛ به عبارت دیگر، ماهیت قابل تبدل به وجود با حفظ اصل ذات است، برخلاف مفهوم که قابل تبدل به وجود نیست؛ از این رو، به محکی علیه ماهیت، فرد و به محکی علیه مفهوم، مصداق اطلاق می‌شود؛ یعنی در خارج؛ مفهوم، مصداق و ماهیت، فرد دارد. از خصوصیات مفهوم این است که بر مصادیق خود حمل می‌شود اما نه از قبیل حمل جنس و نوع بر افراد خود؛ بنابراین، مفهوم برای مصادیق خود از قبیل عرض برای ذات است، ولی ماهیت به عنوان یکی از کلیات خمس بر افرادش حمل می‌شود و به عبارت دیگر، مفهوم انتزاعی است ولی ماهیت همان ذات شیء است (کرجی، ۱۳۸۲: صص ۲۲۰ و ۲۲۱). از آنجاکه سؤال از ماهیت، سؤال از حقیقت و چیستی شیء است؛ بنابراین، در مقام سؤال از ماهیت باید پاسخی داده شود که به اصطلاح، تعریف حدی آن شیء باشد. همچنان که گفته‌اند: «حد عبارت است از قولی که ماهیت شیء را بیان می‌کند»؛ بنابراین، ماهیت از آنجاکه اشاره به حدود حقیقی اشیا دارد و آن را از سایر حدود وجودی مشخص می‌کند قابل تعریف با حد است. اما مفهوم (غیر از مفاهیم حقیقی که همان ماهیت است) چنین اتحاد و

تطابق ذاتی با شیء یا فرد خارجی ندارد؛ بنابراین، قابل تعریف با حد هم نخواهد بود.

### معضل شناخت ماهیت پول

هیچ کس در فهم مفهوم پول مشکلی ندارد. چه اینکه عرف عام غرضشان از اطلاق لفظ پول بر چیزی فایده پولی است که از آن می‌برند؛ بنابراین، فرقی نمی‌کند آن چیز نمک باشد یا پوست حیوانات یا صدف یا دندان نهنگ یا سنگ آهن یا مس یا سگه‌های طلا و نقره یا اسکناس کاغذی یا کارت اعتباری و پول الکترونیکی. در نگاه به مفهوم پول عرف به کارکرد آن نگاه می‌کند و به هر چیزی که وظایف پولی را برایش انجام دهد، لفظ پول اطلاق می‌کند.

علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ص ۱۰) این معنا را بسیار زیبا و گویا تشریح می‌کند. وی می‌فرماید: «لکن باید این را هم بدانیم که ما الفاظ را برای آن چیزی وضع کردیم که فلان فایده را به ما بدهد، حالا اگر آن چیز شکل و قیافه‌اش تغییر کرد، مادام که آن فایده را می‌دهد، باز لفظ نام‌برده نام آن چیز است، توضیح اینکه اشیایی که برای هر یک نامی نهاده‌ایم از آنجا که مادی هستند، محکوم به تغییر و تبدل‌اند، چون حوایج آدمی رو به تبدل است، و روزه‌روز تکامل می‌یابد، مثلاً کلمه چراغ را ما در اولین روزی که به زبان جاری کردیم به‌عنوان یک ظرفی بود که در آن روغن می‌ریختیم و فتیله‌ای که در آن روغن می‌انداختیم و لبه فتیله را از ظرف بیرون گذاشته، روشن می‌کردیم تا در شب‌های تاریکی پیش پای ما را روشن کند و هر وقت کلمه چراغ را به زبان می‌آوردیم شنونده چنین چیزی را از آن می‌فهمید، ولی روزه‌روز بر اثر پیشرفت ما، چراغ هم پیشرفت کرد و تغییر شکل داد تا امروز که به‌صورت چراغ برق درآمد، به‌صورتی که از اجزای چراغ اولیه ما هیچ چیز در آن وجود ندارد، نه ظرف سفالی آن هست، نه روغن و نه فتیله‌اش ولی در عین حال باز به لامپ می‌گوییم چراغ. برای چه؟ برای اینکه از لامپ همان فایده‌ای را می‌بریم که از پیه‌سوز سابق می‌بردیم و همچنین، کلمه میزان یا ترازو...؛ بنابراین، هر چند مستمای نام‌ها تغییر کرده، به حدی که از اجزای سابقش نه ذاتی مانده و نه صفاتی ولکن نام‌ها همچنان باقی مانده است، و این نیست مگر به‌خاطر اینکه منظور روز اول ما از نامگذاری فایده و غرضی بود که از مسماها عاید ما می‌شد نه شکل و صورت آنها و مادام که آن فایده و آن غرض حاصل است، اسم هم بر آن صادق است. نباید نسبت به لفظ جمود به خرج داده و آن را نام یک صورت بدانیم و تا قیامت هر وقت می‌گوییم چراغ، باز همان پیه‌سوز را اراده کنیم...».

با این بیان، مفهوم پول که به کارکرد و وظایف پولی نظر دارد در سلسله تقسیمات مفاهیم به



ماهوی و وجودی جزء مفاهیم وجودی است.<sup>۱</sup> علامه طباطبائی (ره) همین معنا را در مقاله ششم کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم (بی تا: صص ۳۱۴-۳۰۲) در تقسیم ادراکات به اعتباری و حقیقی طرح کرده است. وی (همان: ص ۳۱۲) پس از طرح موضوع با مثال‌های مختلف نتیجه گرفته است: الف) انسان (یا هر موجود زنده دیگر) به واسطه به کار انداختن قوای فعاله خود یک سلسله مفاهیم و افکار اعتباریه تهیه می‌کند؛ ب) ضابط کلی در اعتباری بودن یک مفهوم و فکری این است که به وجهی متعلق قوای فعاله شده و می‌توان نسبت (باید) را در وی فرض کرد. پس اگر بگوییم «سیب میوه درختی است» فکری حقیقی خواهد بود و اگر بگوییم «این سیب را باید خورد» یا «این سیب خوردنی است» یا «این جامه از آن من است» اعتباری خواهد بود. براساس دیدگاه علامه مفهوم وجودی پول که حاکی از کارکرد و وظایف پولی است جزء مفاهیم و ادراکات اعتباری است. به طور کلی، مفهوم شامل مفاهیم حقیقی و اعتباری می‌شود و منظور از ماهیت، مفهوم حقیقی است که معقول اولی<sup>۲</sup> هم نامیده می‌شود. اما مفاهیم غیر حقیقی که شامل مفاهیم منطقی و فلسفی یا همان معقول ثانی منطقی و معقول ثانی فلسفی می‌شوند، اعتباری و غیر ماهوی هستند و این قابلیت را ندارند که هم در ذهن و هم در خارج موجود باشند و در مورد این گونه از مفاهیم باید گفت که میان مفهوم و مصداق عینیت برقرار نیست، اما ماهیات با افرادشان تطابق ذاتی دارند؛ بنابراین، از طریق مفهوم نمی‌توان به حقیقت مصداق دست یافت. به همین جهت این تلقی اعتباری از مفهوم پول که به ادراکات اعتباری برمی‌گردد هیچ دلالت چشمگیری برای اقتصاد اسلامی ندارد.<sup>۳</sup>

اقتصاددان‌ها هم در این جهت یعنی بیان مفهوم پول اختلافی با عرف مردم ندارند و مانند آنها پول را تعریف می‌کنند، چنانچه هیکس (Hicks, 1967: p 1) به صراحت می‌گوید، پول چیزی است که وظایف پول را انجام می‌دهد. هریس (Harris, 1981: p 3) آن را تفصیل داده، می‌گوید پول چیزی است که دارای سه وظیفه واسطه مبادله، معیار سنجش ارزش و ذخیره ارزش باشد.

۱. در دیدگاه علامه طباطبائی، هر علمی، حضوری یا مسبوق به حضور است. برای بیان یافته حضوری خود، از مفاهیم استفاده می‌کنیم. یافته حضوری با دو نوع مفهوم حکایت می‌شود: مفهوم ماهوی و مفهوم وجودی. مفاهیم ماهوی، حاکی از چیستی اشیا هستند و مفاهیم وجودی، حاکی از نحوه هستی آنها (شیرعلی‌نیا، ماهنامه معرفت، ۱۳۸۷: ص ۶۷).

۲. معقول اولی، صورت‌های مستقیم و بلاواسطه‌ای هستند که از اعیان خارجی گرفته شده است. مقولات عشر که شامل یک مقوله جوهر و نه مقوله عرض است، همه از مقولات اولیه هستند.

۳. متأسفانه برخی از اندیشه‌وران به واسطه عدم توانایی در تفکیک دو سطح مفهومی و مصداقی و مفهوم اعتباری و امر اعتباری خلط مبحث کردند و از طریق مفهوم خواستند به حقیقت مصداق دست پیدا کنند که بیراهه رفتند و نتایج بی‌ربط گرفتند.

نتیجه اینکه در فهم و بیان این تلقی اعتباری از مفهوم پول هیچ‌کس اختلافی ندارد. از این رو، هنگامی که از چیستی پول سؤال می‌کنیم مقصود ما چیستی و حقیقت و حد چیزی است که الآن وظایف پول را انجام می‌دهد؛ به عبارت دیگر، از ماهیت و حقیقت فرد و مصداق پول می‌رسیم به اینکه ماهیت این فرد، حقیقی، فیزیکی و از فلان جنس است یا از امور اعتباری و غیرفیزیکی است و اگر اعتباری است این اعتبار چگونه صورت گرفته و جزئیات آن چیست؟ و از آنجا که تصوّر کامل و جامعی از حقیقت این وجود خارجی نداریم که هم‌اکنون پول است، لزوم تحلیل و نظریه‌پردازی درباره ماهیت آن و جزئیات اعتبار صورت گرفته در آن آشکار می‌شود. این نوعی تلقی اعتباری از پول است که دلالت‌های چشمگیری برای اقتصاد اسلامی دارد. این تلقی در مقام تحلیل ماهیت و حقیقت مصداق پول آن را جزء امورات اعتباری دانسته است؛ به عبارت دیگر، در بحث اعتباریات، مفاهیم اعتباری را باید از امورات اعتباری تفکیک کرد. امورات اعتباری در برابر امورات تکوینی قرار می‌گیرد.

### اعتباری و قراردادی بودن پول

اعتبار و قرارداد اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین عنصر رشد و تعالی جامعه بشر است. تأثیر وجودات و حقایق اعتباری و قراردادی در زندگی بشر کمتر از وجودات و حقایق تکوینی نیست. نمونه بارز آن، زبانی است که هر یک از ملت‌ها با آن صحبت می‌کنند. شاید اولین اعتبار و قراردادی که در جامعه بشری صورت گرفت، این بود که آمدند برای هر معنایی لفظی و کلمه‌ای که از جنس اصوات است قرار دادند. با این کار افراد جوامع بشری توانستند به تبادل داده‌ها و اطلاعات بپردازند.<sup>۱</sup> کلید حل معمای رشد، تکامل و تعالی بشر را باید در همین اولین قرارداد و اعتبار پیدا کرد که برای هر معنایی اسمی و لفظی قرار دادند. زبان که ابزار تبادل داده‌ها است در مسیر تاریخ تکامل یافت، به صورت کتبی درآمد و هم‌اکنون به صورت الکترونیکی کار مبادله اطلاعات را به انجام می‌رساند. همه می‌دانیم، اساس رایانه و فناوری الکترونیکی تنها تعدادی بیت‌های روشن و خاموش است. بشر با قرارداد، اعتبار و تعریف خاص برای هر یک از بیت‌ها زبان رایانه خلق کرد و از این طریق توانست از یک پدیده فیزیکی وسیله کارآمدی برای مبادله داده‌ها و اطلاعات بسازد. این کار زندگی اجتماعی بشر را با سرازیر شدن انبوه اطلاعات و داده‌ها مواجه کرده، او را آماده ورود به مرحله فراصنعتی کرده است. بشر برای رشد و تعالی خود و زندگی‌اش حقایق قراردادی و اعتباری بسیار مهم دیگری را نیز

۱. ر.ک.: طباطبایی، محمد حسین، بی‌تا، اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقاله ششم، ص ۳۳۵.

به خدمت گرفته است مانند همه حقایقی که از نوع تشریح، قانون و حقوق هستند. جان سرل (آملی لاریجانی، ۱۳۹۴: صص ۱۶۰ و ۳۲۰) در این باره می‌گوید: «حقایق عالم دو قسم اند، حقایق محض (Brute Facts) یا همان امور تکوینی که همه به آن علم داریم مانند ماه و خورشید و حقایق نهادی (Institutional Facts) مانند ازدواج کردن، وعده‌دادن، پول و حتی فعل‌های گفتاری که همه اینها بر اعتبار عقلایی استوار هستند. این امور نهادی واقعیاتی در عالم می‌آفرینند». اما نکته مهم درباره همه این امور اعتباری این است که برخی از آنها ذاتاً خودشان را حفظ می‌کنند مانند زبانی که هریک از ما با آن صحبت می‌کنیم. زیرا اگر هر فردی بخواهد آن را به میل خود تغییر دهد دیگر نمی‌تواند با دیگران مفاهمه کلامی برقرار کند. ولی بسیاری از اعتباریات و قراردادها مثل مالکیت و زوجیت، لازم است قانون حافظ آنها باشد، در غیر این صورت به اعتبار اینکه زورمند هستند، مورد دستبرد متجاوزان و خائنان قرار می‌گیرند.

از جمله این قراردادها و اعتبارهای مهم و یا به گفته جان سرل حقایق نهادی که زندگی اقتصادی بشر را متحول کرد، پول است. بشر در ابتدا با قرارداد و اعتبار از یک شیء فیزیکی مانند طلا و نقره پول به وجود آورد و آن را در مسیر تاریخ و مقتضای نیازمندی و امکانات تغییر داد و متکامل کرد و به جایی رساند که جسم فیزیکی نداشته، همه چیزش قراردادی و اعتباری است. این پول غیرفیزیکی که به صورت الکترونیکی هم قابل نقل و انتقال است، بستر ورود به جامعه فراصنعتی و تولید انبوه را فراهم کرده است. مؤید این مطلب تحلیل علامه طباطبایی (ره) از اعتبار پول است که ریشه آن را در اصل ملک پس از شکل‌گیری اجتماع دانسته است که در اصل اختصاص پیش از اجتماع ریشه دارد. وی می‌گوید: «در مرتبه تالی این اعتبار، به واسطه احتیاجاتی که هریک از افراد اجتماع به مواد متصرفی و به خصوص ملکی غیر پیدا کرده‌اند، اضطراراً اعتبار «تبدیل» پیش آمده، اگرچه انسان فرد این منظور را با غلبه و تهاجم انجام می‌داد چنان‌که پس از اجتماع افراد مقتدر و حتی در اجتماع متمدن امروزه جامعه‌های مقتدر نیز، اگرچه با ظاهرسازی و مغلطه‌کاری باشد، همین روش را دارند و به واسطه اعتبار «مبادله» تقسیمات تازه‌ای به واسطه اختلافات نوعی مالک (واجد شرایط تصرف و غیرواجد شرایط تصرف چون بچه و دیوانه، مالک شخصی و مالک اشتراکی گوناگون و مالک نوعی و هیئت و مقام) و اختلاف نوعی اعیان مملوکه (انسان برده و حیوان و نبات و جماد و املاک قابل نقل و انتقال و غیرقابل نقل و انتقال و موجود و غیر موجود و جز اینها) پیش آمده که منشأ اعتبار یک سلسله موضوعات اعتباری تازه دامنه‌دار از معاملات گوناگون و وضع احکام گوناگون برای آنها شده است و در نتیجه عدم تعادل نسبت میان مواد مورد مبادله، احتیاج به اعتبار «پول» پیش آمده که یکی از مواد مورد رغبت را واحد مقیاس از برای سنجش سایر مواد مورد حاجت قرار دهند و

البته این اعتبار نیز یک سلسله اعتبارات فرعی مربوط را ایجاب می‌کند که دستگاه وضع پول طلا و نقره و اسکناس و چک و اوراق دیگر بهادار و اعتبار و غیره با احکام و آثار خود نماینده آنها هستند» (طباطبایی، بی تا: ص ۳۳۴).

اینکه پول یک پدیده اجتماعی است، یک معنایش این است که اگر اجتماعی نباشد نیازی هم به پول نیست. اگر دو نفر باشند یا بیشتر با مبادله کالاها می‌توانند نیازمندی‌های خود را برطرف کنند. اما هنگامی که خانواده‌ها گسترده‌تر می‌شوند و ارتباط با جوامع دیگر بیشتر می‌شود، مشکلات مبادله کالا با کالا حادثر و هزینه مبادله کالا با کالا غیر قابل تحمل شده و گاهی مبادله غیرممکن می‌شود. در اینجا بود که جوامع بشری با ابداع پول توانستند بر این مشکلات غلبه کنند و با رونق مبادله رفاه بیشتری را به ارمغان بیاورند. معنای دیگر اجتماعی بودن پدیده پول را هریس (Harris, 1981: p 4) این‌گونه بیان می‌کند که اجتماعی بودن پدیده پول تنها از این جنبه معنا نمی‌شود که انسان و فعالیت‌هایش در چهارچوب جامعه صورت می‌گیرد بلکه جنبه مهم‌ترش این است که پول در جامعه در چهارچوب اقتصادی و اجتماعی خاصی وجود می‌یابد و انواع متفاوتی از آن در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی متفاوت وجود دارند و حتی در طول زمان و با تغییر الگوی تکامل تاریخی یک جامعه نیز تغییر می‌کنند. با مطالعه جوامع در طول تاریخ می‌بینیم در برخی جوامع پول وجود ندارد، در جوامع دیگر پول شکل‌های متفاوتی به خودش می‌گیرد: طلا در یک جامعه، گله گاو در جامعه‌ای دیگر، اسکناس‌های دلاری و حساب‌های بانکی در جوامع دیگر.

### ارزیابی اجمالی تحلیل‌های ماهیت پول در اقتصاد اسلامی و غرب

پیشتر بیان کردیم، در بین اندیشه‌وران غربی دو نظریه اصلی درباره ماهیت پول مطرح است: نظریه فلزی یا نظریه پول‌کالایی که در آن پول یک کالا است که اغلب به شکل فلز گران‌قیمت در جریان بوده است (Menger, 1892: p 242) و دیگری نظریه چارنالیزم است که در آن پول بدون پشتوانه دولتی (Fiat money) بدون ارتباط با هیچ کالایی تنها برای تصفیه تعهدات دولتی ایجاد و منتشر می‌شود (Ingham, 2004: p 12). متالیست‌ها در پاسخ به پرسش درباره منبع ارزش پول بیان داشته‌اند که ارزش پول به ارزش کالایی که به‌عنوان وسیله مبادله به کار می‌رود برمی‌گردد. اگر این پول سگه طلا و نقره باشد، ارزش آن به ارزش طلا و نقره در بازار بستگی دارد و اگر این پول به‌صورت اسکناس در جریان باشد ارزش آن به ارزش ذاتی فلز پشتوانه وابسته است. البته تا زمانی که پول کاغذی قابل تبدیل به فلز پشتوانه بود این تحلیل‌ها مشکلی نداشت. اما از زمانی که پول در قالب اسکناس بدون پشتوانه ظاهر شد و درنهایت، به پول الکترونیکی دیجیتالی کنونی -

که بی‌مادّه فیزیکی محض است - رسید، اقتصاددانان نئوکلاسیک که از والراس پیروی می‌کنند و شمارنده را به‌عنوان یک شیء فیزیکی موردتوجه قرار داده‌اند نتوانستند به‌طور تحلیلی توضیح دهند چرا و چگونه کالاها می‌توانند با کاغذ بی‌پشتوانه و ارقام جایگزین شوند و چرا ماهیت پول دیگر فیزیکی نیست و چرا و چگونه ارزش پول تحت‌قدرت منتشرکننده آن است نه تحت ارزش ذاتی مادّه‌ای که از آن ساخته می‌شود (Rossi, 2007: p 13). از اینجا بود که نظریه اعتباری چارتالیزم شروع به رشد و نمو کرد.

اساس نظریه چارتالیزم آن است که پول یک رابطه اجتماعی است مستقل از هر مادّه‌ای که پول در قالب آن نمود پیدا می‌کند. در این نظریه پول یک مطالبه (claim) یا اعتبار و بستانکاری (credit) و یا وعده پرداخت (promise to pay) است که به‌وسیله ارتباطات اجتماعی تأسیس شده است (Ingham, 2004: p 12). در نظر کینز (Keynes, 1971: p 6) پول یک واحد محاسبه است که از یک کنش سیاسی نشئت گرفته و به‌وسیله قانون یا پیمان و قرارداد اجتماعی تأسیس شده است، به عقیده کینز آنچه هدف مردم است ممکن است تصفیّه تعهدات بدهی‌شان باشد. در این دیدگاه پول به‌طور تاریخی به‌عنوان واحد محاسبه شکل گرفته و مقدم بر مبادلات بازار است. چارتالیزم یک استاندارد پولی است که در آن پول امری دولتی منتشرشده به‌عنوان واحد پولی استفاده می‌شود. در این سیستم پول بدون پشتوانه دولتی به‌وسیله دولت برای پوشش هزینه‌هایش ایجاد شده و منتشر می‌شود. در این دیدگاه تقاضا برای نگهداری و اندوختن این پول به وضع مالیات به‌وسیله دولت برمی‌گردد. زیرا مالیات را می‌توان با این پول بدون پشتوانه پرداخت کرد. به عقیده اینها این مالیات است که به پول ارزش می‌دهد.<sup>1</sup> اینها در این اندیشه افراطی تا آنجا پیش رفتند که مدعی شدند پول از زمانی که تمدن آغاز شد ارزش خودش را از مالیات گرفته است (Mosler, 2010: p 5).

ماسگریو (Masgrave, 2009) نقدهای مستدلّی بر نظریه چارتالیزمها وارد کرده است. وی می‌گوید، این دیدگاه افراطی که هر پولی از زمانی که تمدن آغاز شده ارزشش را از مالیات گرفته یک گزاره‌گویی بزرگ درباره نقشی است که مالیات بازی می‌کند. زیرا اولاً، تقاضای دولت مبنی بر اینکه مالیات باید به‌صورت کالای خاص پرداخت شود ضرورتاً آن کالا را پول رایج نمی‌کند؛ ثانیاً، لازم نیست مالیات به‌صورت fiat money پرداخت شود؛ ثالثاً، بانک‌های خصوصی هم می‌توانند پول بدون پشتوانه منتشر کنند. اما اصلی‌ترین نقد بر اینها این است که پاسخ اثباتی و حلّی درباره ماهیت پول کنونی ندادند. برخی از گزاره‌هایی

که درباره پول‌های کنونی ابراز کردند حقایق است پیرامونی درباره آثار وجودی آن. اینکه پول یک پدیده اجتماعی است و به وسیله پیمان و قرارداد اجتماعی تأسیس شده، اینکه ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشرکننده آن باقی می ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده‌ای که از آن ساخته می شود، اینکه دولت توانایی خلق پول را تنها با حرکت دادن یک قلم دارد. همه اینها حقیقتی است از حقایق وجودی پول کنونی، اما درباره چیستی پول کنونی که چرا و چگونه است که می تواند چنین خاصیت و آثاری داشته باشد نتوانستند چیزی بگویند و پاسخ صریحی بدهند؛ از این رو، نظریه‌شان از این حیث رضایت‌بخش نیست.

در بین اندیشه‌وران اسلامی دو نظریه اصلی را می توان از هم تفکیک کرد، نظریه قدرت خرید و نظریه ارزش اسمی. تعداد معتناهی از این اندیشه‌وران - با تفاوت اندکی در تعابیر - معتقد به نظریه قدرت خرید بوده و به تبیین و اثبات آن پرداخته‌اند. نخستین آنها شهید آیت الله صدر (ره) است. وی در کتاب الاسلام يقود الحیة (صدر، بی تا: ص ۲۴۷) درباره پول‌های کاغذی می گوید: «اگرچه پول‌های کاغذی مال مثلی است ولی مثل آن تنها همان کاغذ نیست، بلکه هر چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می کند؛ از این رو، اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران قیمت حقیقی آنچه دریافت کرده است پرداخت کند، مرتکب ربا نشده است». وی در ادامه مطلب می گوید: «قیمت حقیقی براساس طلا و ارز طلا اندازه‌گیری می شود». از این کلام شهید صدر (ره) برمی آید که وی قیمت حقیقی یا قدرت خرید را جزء ویژگی اصلی و صفت حقیقی و ذاتی پول کاغذی می بیند زیرا آن را در مثلیث پول دخیل می داند، و نیز حکم به عدم ارتکاب ربا در هنگام بازپرداخت سپرده به قیمت حقیقی قرینه دیگری است که ایشان قیمت حقیقی و به تعبیری «قدرت خرید» را جزء ویژگی اصلی و صفت ذاتی و حقیقی پول کاغذی کنونی می داند. آیت الله بجنوردی (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲: ص ۱۱۰) تمام حقیقت و هویت اسکناس را «قدرت بر خرید» می داند که به وسیله مرجعی معتبر به آن داده شده است. آیت الله شاهرودی (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴: صص ۶۸-۶۶) نیز همه هستی و اساس پول را «ارزش و توان خرید» می داند. اساسی ترین اشکال مبنایی این دیدگاه این است که قانون نمی تواند مالیت و قدرت خرید را که وصف اضافی و نسبی و عرض است با جعل و اعتبار به مال که ذات و جوهر است تبدیل کند. ابتدا باید ذاتی و جوهری باشد تا بعد بتوان به آن مالیت و قدرت خرید داد. خود مالیت که عرض است نمی تواند جای جوهر بنشیند و درعین حال که عرض است جوهر باشد، زیرا همان‌گونه که مرحوم سبزواری (بی تا: ص ۲۴۹) می فرماید، عرض به تنهایی نمی تواند وجود داشته باشد و

حتماً باید ضمن جوهری باشد. زیرا عَرَض تابع است؛<sup>۱</sup> بنابراین، اگرچه در جهان اعتبار هستیم، درعین حال باید مطابق عالم تکوینیات که ابتدا باید جوهری باشد تا بعد بتوان برای آن عرض قابل انفکاک را جعل کرد. در اینجا که جوهری تکوینی وجود ندارد، باید جوهری ادعایی را در نظر گرفت سپس مقدار ارزش مبادله‌ای آن را تعیین کرد.

مؤلفان کتاب پول در اقتصاد اسلامی (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۷۴: صص ۸۰-۷۶) پس از آنکه مالیت پول اعتباری کنونی را از نوع مثلی دانستند، احکام مال مثلی را بر آن بار کردند، آنگاه این پرسش را مطرح کردند که مقوم مثلیت چیست؟ ارزش اسمی یا قدرت خرید؟ این مؤلفان در پاسخ دو عقیده را مطرح کردند. گروهی که عقیده دارند مقوم مثلیت «قدرت خرید» است؛ از این رو، اگر قرض داده شود، در صورت کاهش ارزش باید جبران شود و گروهی دیگر که معتقدند مقوم مثلیت همان ارزش اسمی است و نه چیز دیگر و جبران لازم نیست. آنگاه این مؤلفان به تقویت دلایل گروه دوم در ردّ گروه اول پرداختند. از جمله اینکه قدرت خرید از عوارض و حالات است؛ بنابراین، اگر فردی مقداری پول اعتباری قرض کند، عرف نمی‌گوید او قدرت خرید قرض کرده است و دیگر اینکه اگر قدرت خرید پول، همان قیمت مبادله‌ای واقعی آن باشد، پس پول مال مثلی نیست بلکه کالای قیمی است. درحالی که هیچ‌یک از فقها پول را مال قیمی نمی‌دانند.

به عقیده اینها پول کنونی اعتباری است و مقوم مثلیت آن همان ارزش اسمی است که روی اسکناس مکتوب است. نزد اینها پول عبارت است از ارزش مبادله‌ای خالص اشیا که ارزش مصرفی آن نیز در همین ارزش مبادله‌ای است. ارزش پول وابسته به اصل ارزش مبادله‌ای است نه مقدار آن و اصل ارزش مبادله‌ای هم از ویژگی‌های نسبی پول است. مؤلفان کتاب پول در اقتصاد اسلامی با گرایش به نظریه ارزش اسمی به این نتیجه رسیدند، کسی که در دوره توزی اقدام به قرض دادن می‌کند، می‌تواند پول‌هایی مانند سکه طلا را که ارزش نسبتاً ثابتی دارند برای قرض دادن انتخاب کند. به عقیده اینها دولت هم حق دارد پول منتشر کند بدون اینکه ضامن کاهش قدرت خرید باشد. از آنجاکه این کار با مجموع مصالح نظام سازگار نیست حق انتشار بی قید و شرط پول به دولت داده نمی‌شود. اما نظریه ارزش اسمی نیز اجمالاً رضایت‌بخش نیست. زیرا اولاً، ارزش اسمی تنها نشان‌دهنده تعداد واحدهای پولی مکتوب بر روی اسکناس است. از عنوان «ارزش اسمی» نمی‌توان چیزی بیش از این مفهوم استخراج کرد؛ ثانیاً، ریال، دلار، پوند و امثال اینها عناوین مشیر هستند، باید دید مشارالیه اینها چیست، حال آنکه، نظریه ارزش اسمی از این حیث

۱. کلام مرحوم سبزواری در منظومه این است: «وَجَوْهَرِيَّةٌ لَدَيْنَا وَاِقِعُهُ... اِذْ كَانَتْ اَلْاَعْرَاضُ كُلًّا تَابِعَهُ».

کاملاً ساکت است و هیچ تحلیلی از مسمای اینها ارائه نمی‌دهد. در نتیجه ماهیت مال در نظریه ارزش اسمی مبهم است.

### برخی از مهم‌ترین آثار فقهی و اقتصادی دو نظریه اندیشه‌وران اسلامی

براساس هر دو نظریه قدرت خرید و نظریه ارزش اسمی، از نظر شرعی دولت به حکم اولی حق دارد به هر شکل که صلاح می‌داند پول منتشر کند بدون اینکه ضامن جبران کاهش ارزش پول باشد. به خاطر تسلط این دو اندیشه ناصواب در چهار دهه گذشته بر سیاستمداران کشور و مشاورین فقهی‌شان هر کدام از دولت‌های سازندگی، اصلاحات، عدالت و اعتدال خود را از نظر شرعی آزاد و محق دانسته و هر یک در دوره هشت‌ساله حاکمیشان حجم نقدینگی را بیش از سه برابر کردند و به دنبال آن تورم‌های مزمن و مستمر را برای اقتصاد به ارمغان گذاشتند.<sup>۱</sup> نتیجه تورم‌های مزمن و دامنه‌دار رکودهای طولانی مدت، بیکاری رنج‌آور، کاهش مستمر قدرت خرید درآمدی کارمندان و کارگران که بیش از ۸۰ درصد مردم کشور را تشکیل می‌دهند، توزیع ناعادلانه ثروت، اقتصاد سوداگری و بنگاهی و ضد تولید، رانت، افزایش و رسوخ رشوه و فساد در تمام سطوح و ارکان جامعه و دولت است. حال اگر سیاستمداران و مشاورین فقهی‌شان درک و تحلیل صحیحی از پول و ماهیت آن در اختیار داشتند و آن را می‌پذیرفتند از مردم عذرخواهی می‌کردند و جبران کامل خساراتی را که بر توده مردم وارد شده است در دستور کار قرار می‌دادند.

### ارائه تحلیلی تکاملی و صحیح‌تر از ماهیت پول کنونی

از آنجاکه مفروضات اساسی تحلیل‌های پیش‌گفته قابل جرح و تعدیل است و به خاطر پنهان ماندن بخش‌هایی از حقایق ماهیت پول در تحلیل اینها در نتیجه هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها به تنهایی نمی‌تواند رضایت کامل را فراهم آورد؛ از این رو، لزوم ارائه تحلیلی جدید، تکاملی و صحیح‌تر درباره ماهیت پول که بتواند توضیح‌دهندگی کامل‌تری داشته باشد امری اجتناب‌ناپذیر است. با تحلیل تاریخی، فلسفی و تقنینی پول می‌توان منشأ رویش همه پدیده‌های پولی گذشته تا پدیده پولی که اکنون با آن روبه‌رو هستیم را با رویکرد اعتباری و با یک تحلیل جامع و یکسان توضیح داد و هم پدیده پولی

۱. به گزارش گروه اقتصاد پایگاه خبرگزاری الف، دکتر عباس شاکری در مصاحبه‌ای با عنوان «نگاهی به نقش شوک‌درمانی در بحران‌سازی نقدینگی» با احتساب ضریب فزاینده ۲/۴۷ این افزایش نقدینگی در هر دوره را ۷ برابر دانستند. وی در ادامه این جریان نقدینگی‌سازی را بمب نقدینگی تعبیر کردند که بهمن‌وار خودنمایی کرده است (شاکری، ۱۳۹۷).



آینده را پیش بینی کرد. براساس این تحلیل «پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و دیجیتالی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می گیرد، هر یک دارای مراتبی از اعتبار است». تنها باید مفاد و جزئیات اعتبار و قرارداد انجام شده را تحلیل کرد و دید اجتماع یا دولت چگونه و چه مالی را و با چه جزئیاتی در هر دوره پول اعتبار کرده است.<sup>۱</sup> آیا این مال عین خارجی است یا دین است یا منفعت واقعی و یا حق و یا یکی از اینها است به اعتبار یعنی عین اعتباری<sup>۲</sup> یا دین اعتباری<sup>۳</sup> یا منفعت اعتباری<sup>۴</sup> و یا حق اعتباری<sup>۵</sup>.

اعتباری بودن واحد سنجش ارزش و تعیین مقدار ارزش آن روشن است چون با تعریف و اعتبار قانون شکل می گیرد. اما اعتباری بودن واسطه مبادله قدری تحلیل و دقت نظر می خواهد. شاهد بر مدعا اینکه در همان نظام پول کالایی اینکه کدام کالا پول باشد و چه مقدار از آن واحد سنجش ارزش باشد را اجتماع تعیین و قرارداد می کرد و این خود یک نحوه اعتبار است. در این نظام، پول در مرتبه تعیین نوع کالایی که باید پول شود و در مرتبه تعریف واحد سنجش ارزش اعتباری است. اما در مرتبه آنچه باید واسطه مبادله باشد ماهیت فیزیکی به صورت سکه مضروب طلا یا نقره دارد. ذات و عین کالایی که در این دوره پول شده از حیث ماهیت، حقیقی و فیزیکی و از جنس طلا و نقره است. ارزش مبادله ای و مالیت آن هم به واسطه عرضه و تقاضا در بازار تعیین می شود نه به وسیله اعتبار قانون.

فرضیه اصلی تحقیق درباره ماهیت پول های کنونی براساس تحلیل قوانین پولی کشورها عموماً و قانون پولی ایران خصوصاً به عنوان تنها اسناد مکتوب اعتبار انجام شده در پول، و با توجه به آنچه در عمل رخ داده و واقعیت های کنونی پول که خود وجودی غیر فیزیکی و مستقل از طلا یا هر دارایی با ارزش دیگر دیده می شود، این است که «پول های کاغذی، الکترونیکی و دیجیتالی کنونی در همه مراتب اعتباری است».

**اعتبار اول:** آنجا که در قانون پولی می گوید (ریال پول ایران است)، قانون در اینجا ذات نامعینی را به عنوان واحد پول اعتبار و نامگذاری می کند.

۱. فهم جزئیات این اعتبار است که می تواند به ما در دلالت های اقتصاد اسلامی آن کمک کند.

۲. درباره حقیقت و ماهیت پول های کنونی به دنبال اثبات همین معنا هستیم که پول کنونی عین اعتباری است.

۳. می توان پول مخلوق بانک را برای دین اعتباری مثال زد که با استفاده از ذخیره جزئی و اعتبار بانک ایجاد می شود.

۴. مانند منفعتی که برای تمبر اعتبار می شود.

۵. مثل حق تألیف.

**اعتبار دوم:** آنجا که می‌گوید (یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم (۰/۰۱۰۸۰۵۵) گرم طلای خالص است)، قانون با در نظر داشتن قدرت خرید معینی مقدار ارزش مبادله‌ای واحد آن را برابر و معادل (نه! این همانی) با ارزش مقدار معینی از طلا یا مال دیگر که دارای آن مقدار قدرت خرید بوده و نزد همگان شناخته شده است اعتبار و تعیین می‌کند.

**اعتبار سوم:** آنجا که می‌گوید (پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه‌های فلزی قابل انتشار است)، قانون آن را بی‌ماده فیزیکی به صورت ثبت روی اسکناس و یا ثبت روی سکه‌های دلالتی و ذخیره در تراشه دیجیتالی اعتبار کرده و به آن وجود مستقل داده و آن را پول در گردش قرار داده است.

آنگاه در قسمت هدف سیاست پولی تعهد به حفظ ارزش آن بر اساس معیار می‌سپارد. از این رو، بهترین عنوان برای این تحلیل «نظریه مال اعتباری» است. زیرا، بر اساس این تحلیل، علاوه بر آنکه ذات پول کنونی «عین اعتباری» است نه فیزیکی، ارزش مبادله‌ای اولیه آن هم «قدرت خرید اعتباری» است. پول این ارزش را از قانون به دست آورده است نه از عرضه و تقاضای بازار. گرچه بعد از انتشار، ارزش ثانویه‌ای نسبی، حقیقی و متغیر در ارتباط با عرضه و تقاضا، تولید ملی و ارزش‌های خارجی پیدا می‌کند.

در این تحلیل واسطه مبادله یا پول در گردش دیگر سکه مسکوک طلا و نقره نیست بلکه سکه مکتوب و سکه دیجیتالی که ارزشی معادل با ارزش سکه طلای مسکوک برای آن در نظر گرفته شده است، واسطه مبادله است؛ به عبارت دیگر «نفس ریال، دلار و پوند مکتوب روی اسکناس یا ثبت شده در حساب جاری یا ذخیره شده در یک تراشه دیجیتالی که ارزشی معادل با ارزش سکه مسکوک برای آن اعتبار شده پول در گردش است». این پول در حقیقت «فرد ادعایی سکه فیزیکی» است که اعتبار قانون آن را بی‌ماده فیزیکی خلق کرده و برای آن ارزشی برابر و معادل با ارزش طلا اعتبار کرده است. در این اعتبار قانون حد سکه مضروب را برای سکه مکتوب و سکه دیجیتال قائل شده است. در این صورت، اسکناس ظرف پول است نه خود پول. در حقیقت ریال و دلار و پوندی که روی آن ثبت است پول است و همان‌گونه که در علم معانی و بیان به خاطر علاقه‌هایی که بین اشیا وجود دارد نام یکی بر دیگری اطلاق می‌شود، در اینجا هم به خاطر علاقه ظرف و مظروف عنوان مظروف که پول است بر ظرف اطلاق می‌شود و به اسکناس، حساب جاری و کارت پلاستیکی هم پول می‌گویند. اسکناس یک وسیله پرداخت هم هست (ر.ک.: توسلی، ۱۳۹۴: صص ۸۴-۷۸).

این پول اعتباری و غیر فیزیکی پدیده نیشغولی نیست. بلکه در ظرف اعتباری و نفس الامری

دولت-ملت و ملت-ملت وجود دارد و براساس عهد و پیمانی اجتماعی بین دولت-ملت و ملت-ملت به صورت ثبت روی برگه اسکناس و سکه دلالتی یا ثبت در حساب بانکی یا ذخیره در تراشه دیجیتال عینیت خارجی پیدا کرده و حد و حدود و مقدار معین دارد و تلاش فراوانی از حیث فناوری صورت گرفته و می‌گیرد که جعل و تکثیر غیرقانونی در آنها به کمترین حد ممکن برسد.

### اثر فقهی تحلیل مال اعتباری بر سیاست‌های پولی و جبران کاهش ارزش پول

براساس این تحلیل، پول‌های کنونی همه مراتبش با جعل و اعتبار و قرارداد پدید آمده است؛ از این رو، پول‌های کنونی از هر حیث به‌ویژه واحد پول که براساس مقیاس خاص تعریف شده و دولت‌ها در قانون پولی خود را ملزم و متعهد به حفظ ارزش آن کرده‌اند، امری قراردادی و عهد و پیمانی اجتماعی بین دولت و ملت است. براساس این تعهد و بنابر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (المائده: ۱) که براساس آن وفای به عهد واجب است، حفظ ارزش پول از نظر شرعی به‌عنوان مهم‌ترین هدف سیاست پولی با حکم اولی بر دولت واجب است. ید دولت ید امانی است و در صورت افراط و تفریط در حفظ ارزش پول مسئول و ضامن است. دولت حق انتشار پول ندارد. دولت حد انتشار پول دارد. مردم با اعتماد و به‌پشتوانه دولت است که پول‌های کاغذی، الکترونیکی و دیجیتالی را در مبادلات اقتصادی خویش به‌کار می‌گیرند و گردش اقتصاد را تسهیل می‌کنند. اگر این اعتماد و اطمینان به دولت از بین برود اقتصاد دچار بحران و هرج و مرج خواهد شد و از آن طرف هیچ چیز دیگری هم نمی‌تواند جای پول را بگیرد. پس دولت و حکومت موظف است به‌خاطر حفظ مصالح ملت ارزش پول را (البته در حد معقول) ثابت نگه دارد و متوجه است که پول به اندازه نیازهای اقتصادی در جریان باشد. گرچه برخی اندکی بیشتر از نیازهای اقتصادی را برای رشد و توسعه پایدار تجویز می‌کنند. وسائل الشیعه (الحرالعاملی، بی تا، ج ۶: ص ۱۷) از امالی حسن بن محمد طوسی از امام باقر (ع) روایت می‌کند که از آن حضرت درباره درهم و دینار سؤال شد فرمود: «هِيَ خَوَاتِيمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ جَعَلَهَا اللَّهُ مَصْلَحَةً لِخَلْقِهِ وَ بِهَا تَسْتَقِيمُ شُؤْنُهُمْ وَ مَطَالِبُهُمْ» «آنها مهر و خاتم خداوند در زمین هستند، خداوند آنها را به مصلحت انسان آفریده تا به وسیله آنها کارهایش استوار و خواسته‌هایشان برآورده شود».

براساس نظریه مال اعتباری، پول مالیت و ارزش مبادله‌اش از دو جهت سرچشمه می‌گیرد. یک جهت آن حکومت است که ارزش و مالیت اولیه آن را با اعتبار و تعریف ارزش واحد پول بدان می‌دهد و یک ارزش و مالیت ثانویه که با حضور و انتشار خارجی این پول بر اثر کمیابی نسبی مثل همه اموال دیگر برایش حاصل می‌شود. در این نظام هرگاه متناسب با رشد تولید ملی حقیقی،

دولت پول اضافی منتشر کند، ارزش پول تغییری نمی‌کند. اما در صورتی که بدون افزایشی در تولید مّلی واقعی، بخواهد پول جدید منتشر کند و اسناد بدهی جدیدی وارد بازار کند، مفهومش این است که برابری ارزش واحد پول را از بین برده و اصل پابندی را زیر پا گذاشته است. پس اگر دو برابر حجم پول موجود، پول جدید منتشر کند، معنایش این است که ارزش واحد پول را در برابر نصف ارزش آن مقدار تعریف شده در قانون قرار داده است؛ چه آن را در قانون بیاورد یا نیاورد، این عمل مصداق عنوان فقهی «نقص در مال» است. اما اگر تورّم یا کاهش ارزش پول به عواملی مثل جنگ، زلزله و خشکسالی بازگردد، تنها نقصان در مالیت است و براساس قواعد و اصول فقهی برای دولت حکمی و تعهدی در پی ندارد. هر مالی نقصان مقتضی خودش را دارد، مثلاً گلاب هرگاه با آب مخلوط شود مالیتش کاهش می‌یابد و این عمل که منجر به کاهش مالیت و ارزش شده ناشی از عامل نقص در ذات مال است و ضمان‌آور است؛ از این رو، می‌توان گفت پول کنونی که مال اعتباری است و اجزای مثلی اعتباری دارد، نقصان خاص خود را دارد که از طریق عملکرد اعتبارکننده به وسیله سیاست‌های انبساطی پولی بی‌رویه با برهم خوردن اعتبار تثبیت شده در قانون نقصان در ذات مال حاصل می‌شود؛ بنابراین، دولت مسئول این بخش از کاهش ارزش و ضمان است و لازم است بی‌منت در حقوق‌ها و دستمزدها جبران کند.

### خلاصه و نتیجه

تازمانی که پول به شکل سکه‌های طلا و نقره در جریان بود ماهیت فلزّی آن برای همگان قابل تشخیص بود و یک سکه‌شناس و صراف می‌توانست مقدار عیار طلا و نقره سکه‌ها را تشخیص دهد. اما در تاریخ تغییر و تحولات تکاملی پول به مرحله‌ای رسیدیم که اسکناس که تا پیش از این رسید و حواله پول طلا و نقره بود، عرف نگرش استقلالی به آن پیدا کرد و در ادامه با پیشرفت فناوری به نسخه الکترونیکی و دیجیتال اسکناس و سکه رسیدیم که بی‌ماده فیزیکی محض هستند؛ از این رو، این پرسش اساسی پیش آمد که پول کنونی از حیث ماهیت و حقیقت چیست؟ پاسخ به این پرسش هم برای اقتصاد اسلامی مهم و حیاتی است و هم برای اقتصاد متعارف غرب مهم و اساسی. با مرور اجمالی نظریات ماهیت پول روشن است که اهم این تحلیل‌ها بر محور اعتباریات می‌گردند؛ بنابراین، برای فهم بهتر این تحلیل‌ها لازم است ابتدا با اعتبار و اعتباریات در فلسفه و ارتباط آن با شناخت ماهیت پول آشنا شویم. سپس با روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی این تحلیل‌ها و ارائه شناختی کامل‌تر و صحیح‌تر از ماهیت پول با ابتدا بر رویکرد اعتباریات علامه طباطبایی (ره) و آموزه‌های امور عامه فلسفه و روش رئالیسم پرداخته می‌شود. آنگاه احکام فقهی

و نتایج اقتصادی حاصل از این تحلیل‌ها بیان می‌شود که تأثیر زیادی بر اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب در نظام اسلامی برجا می‌گذارد. هنگامی که گفته می‌شود پول کنونی اعتباری است، منظور از این اعتبار فرض، قرارداد، جعل و آفرینش است. علامه طباطبایی (ره) در بحث اعتباریات و علوم غیرحقیقیه اعتبار را عبارت از: «اعطای حد چیزی به شیء دیگری که این حد را ندارد» دانسته است.

از جمله اعتبارهای مهم و یا به گفته جان سرل حقایق نهادی که زندگی اقتصادی بشر را متحول کرد، پول است. بشر در ابتدا با قرارداد و اعتبار از یک شیء فیزیکی مانند طلا و نقره پول به وجود آورد و آن را در مسیر تاریخ و مقتضای نیازمندی و امکانات تغییر داد و متکامل کرد و به جایی رساند که جسم فیزیکی نداشته، همه چیزش قراردادی و اعتباری است. به طور کلی دو نظریه و مکتب اصلی در اقتصاد غرب درباره ماهیت پول قابل شناسایی است: ۱. نظریه فلزگرایی یا نظریه پول کالایی با رویکرد حقیقی؛ ۲. نظریه فرمان‌گرا با رویکرد اعتباری. هدف این دو مکتب توضیح ریشه‌ها، ماهیت و ارزش پول در چهارچوب منطقی و تاریخی است. پایه و ریشه اصلی نامگذاری متالیزم به این اندیشه که پول یک کالا است و اغلب به شکل فلز گران‌قیمت در جریان بوده است، برمی‌گردد. در مقابل اساس چارنالیزم این است که پول یک رابطه و ارتباط اجتماعی مستقل از هر ماده‌ای است که پول در قالب آن نمود پیدا می‌کند. در این نظریه پول یک مطالبه یا اعتبار یا بستانکاری است که به وسیله ارتباط اجتماعی تأسیس شده است؛ به طوری که مستقل از تولید و مبادله کالا وجود دارد.

نکته مهم درباره امورات اعتباری این است که برخی از آنها به صورت درون‌زا خودشان را حفظ می‌کنند مانند زبانی که هریک از ما با آن صحبت می‌کنیم. زیرا اگر هر فردی بخواهد آن را به میل خود تغییر دهد دیگر نمی‌تواند با دیگران مفاهمه کلامی برقرار کند. ولی بسیاری از اعتباریات و قراردادهای مثل مالکیت، زوجیت و مانند همه حقایق اعتباری که از نوع تشریح، قانون و حقوق هستند و مهم‌تر از همه پول، لازم است قانون از بیرون حافظ آنها باشد و إلا به وسیله متجاوزان و خائنان و فاسدان به اعتبار اینکه زورمند هستند و یا به اعتبار اینکه براساس برخی نظریات به ظاهر صحیح کار خود را مشروع می‌دانند مورد دستبرد قرار می‌گیرند. درباره پول با اینکه همه ارزش‌های اقتصادی جامعه به وسیله آن سنجش، مبادله و ذخیره می‌شود و لزوم ثبات در آن از نظر علوم تجربی و شرع اثبات شده است، طمع دولت‌ها و بحران‌های اقتصادی نگذاشت دولت‌ها به تمام مفاد قرارداد درباره پول پایبند باشند؛ از این رو، اصل پایبندی را هریک از دولت‌ها بدون استثنا هریک به گونه‌ای و با توجیهی و نظام اسلامی با مشروع دانستن آن و محقق دانستن خویش براساس

برخی نظرات ناکامل اندیشه‌وران اسلامی زیر پا گذاشتند و پدیده تورّم و آثار بسیار منفی آن را برای ملت‌های‌شان به ارمغان آوردند.

نگاهی اجمالی به رویکردهای اعتباری درباره ماهیت پول و نتایج فقهی آنها نشان می‌دهد در بین اندیشه‌وران اسلامی دو نظریه اصلی و مبنایی با رویکرد اعتباری درباره ماهیت پول قابل اعتنا است. نظریه قدرت خرید و نظریه ارزش اسمی. اصلی‌ترین فرض نظریه مالیت اعتباری یا همان نظریه قدرت خرید آن است که تمام حقیقت پول «قدرت خرید» است و قدرت خرید را هم قانون در اسکناس اعتبار کرده است؛ از این رو، اگر قرض داده شود در صورت کاهش ارزش باید جبران شود. براساس نظریه ارزش اسمی پول کنونی اعتباری است و مقوم ثلثیت آن همان ارزش اسمی است که روی اسکناس مکتوب است. نظریه ارزش اسمی به طور تفریطی هیچ قسمت از کاهش ارزش پول را قابل جبران نمی‌داند و راهکاری غیرطبیعی ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه در دوره تورّمی قرض دهنده پول‌هایی مانند سکه طلا را که ارزش نسبتاً ثابتی دارند برای قرض دادن انتخاب کند. حال اگر در اقتصاد به این توصیه عمل شود و عمومیت پیدا کند منجر به سقوط پول ملی و خارج شدن آن از صحنه اقتصاد خواهد شد. ضمن اینکه طلا به اندازه کافی برای پوشش حجم عظیم معاملات اقتصاد موجود نیست. شاهد بر مدعا اینکه در مقطعی برخی بانک‌ها سپرده‌گذاری بر مبنای طلا را پیشنهاد دادند اما نتوانستند از عهده‌اش برآیند؛ بنابراین، عقب‌نشینی کردند. پدیده دلاریزه شدن برخی اقتصادها به همین دلیل بوده است.

براساس هر دو تحلیل مالیت اعتباری و ارزش اسمی که رویکرد اعتباری به ماهیت پول دارند به حکم اولی دولت حق دارد به هر شکل که صلاح می‌داند پول منتشر کند، بدون اینکه ضامن کاهش قدرت خرید باشد. به خاطر تسلط این اندیشه‌های ناصواب در چهار دهه گذشته بر سیاست‌گذاران کشور و مشاوران فقهی‌شان هر کدام از دولت‌های سازندگی، اصلاحات، عدالت و اعتدال خود را از نظر شرعی آزاد و محق دانسته و هر یک در دوره هشت ساله خودشان حجم نقدینگی را سه برابر کردند و به دنبال آن تورم‌های مزمن و مستمر را برای اقتصاد جامعه به ارمغان گذاشتند، نتیجه تورم‌های مزمن و دامنه‌دار رکودهای طولانی مدت، بیکاری رنج‌آور، کاهش مستمر و ظالمانه قدرت خرید درآمدی حقوق و دستمزدبگیرها که عموم بیش از ۸۰ درصدی مردم را تشکیل می‌دهند، توزیع ناعادلانه ثروت، اقتصاد سوداگری و بنگاهی و ضد تولیدی، رانت، افزایش و رسوخ رشوه و فساد در تمام سطوح و ارکان جامعه و دولت. به خاطر حاکمیت همین اندیشه‌های ناصواب است که دولتمردان در هنگام اعلان سبد کالا برای اقشار آسیب‌دیده حالتشان بر مردم منت گذاشتن است و آن را لطف به مردم فرض می‌کنند، در حالی که اگر درک و تحلیل صحیحی از پول و ماهیت آن در

اختیار داشتند و آن را می‌پذیرفتند امر برعکس می‌شد. از مردم عذرخواهی می‌کردند و جبران کامل خساراتی را که بر توده مردم وارد شده بود در دستور کار قرار می‌دادند.

در کتاب تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی تلاش برای درک صحیح و ارائه تحلیل جدیدی از ماهیت پول کنونی با عنوان «نظریه مال اعتباری» صورت گرفته است. در آنجا نشان داده شد، پول در هر دو سطح مفهوم و مصداق اعتباری است. فرضیه اساسی تحقیق درباره پول‌های کاغذی و دیجیتالی کنونی با توجه به آنچه در عمل رخ داده و واقعیت‌های کنونی پول که خود وجودی غیرفیزیکی و مستقل از طلا یا هر دارایی با ارزش دیگر دیده می‌شود، نشان می‌دهد که «پول‌های کاغذی و دیجیتالی کنونی در همه مراتب اعتباری است». فهم و تحلیل جزئیات این اعتبار است که می‌تواند دلالت‌های مهمی برای اقتصاد اسلامی داشته باشد. دانستیم براساس دو تحلیل مالیت اعتباری و ارزش اسمی به حکم اولی دولت حق دارد به هر شکل که صلاح می‌داند پول منتشر کند بدون اینکه ضامن کاهش قدرت خرید باشد. اما براساس تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول حفظ ارزش پول به عنوان مهم‌ترین هدف سیاست‌های پولی براساس این نظریه به حکم اولی اثبات می‌شود. براساس تحلیل مال اعتباری و روایت «مَنْ أَتْلَفَ مَالًا غَيْرَهُ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» دولت با سیاست‌های پولی بی‌رویه نقص در مال ایجاد کرده؛ پس ضامن کاهش قدرت خرید بوده و لازم است بی‌منت در حقوق‌ها و دستمزدها جبران کند.

## کتابنامه

- القرآن الکریم.
- آملی لاریجانی، صادق. ۱۳۹۴. علم اصول و نظریه اعتبار. قم: مدرسه علمیه ولیعصر.
- توسلی، محمد اسماعیل. ۱۳۹۴ ش. تحلیل ماهیت پول و بنیان‌های اعمال سیاست پولی در اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الحر العاملی، شیخ محمدحسن. بی تا. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۳۷۴. پول در اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.
- سبزواری، حاج ملاهادی. بی تا. شرح منظومه. قم: مصطفوی.
- شاکری، عباس. ۱۳۹۷ ش. «نگاهی به نقش شوک درمانی در بحران‌سازی نقدینگی». پایگاه خبری الف. گروه اقتصاد. ۲۵ شهریور ۱۳۹۷. <https://www.alef.ir/html/3970625110/news>
- شیرعلی نیا، ابراهیم. ۱۳۸۷. «مفاهیم ماهوی در نگاه علامه طباطبائی». ماهنامه معرفت. شماره ۱۲۸. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- شیروانی، علی. ۱۳۸۷. شرح مصطلحات فلسفی بدایة الحکمة و نهاية الحکمة. قم: نشر بوستان کتاب.
- صدر، محمدباقر. بی تا. الاسلام یقود الحیاه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبائی، سید محمد حسین. بی تا. اصول فلسفه و روش رئالیسم (با پاورقی شهید مرتضی مطهری). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فریدمن، میلتن. ۱۳۷۵ ش. اقتصاد مکتب پولی. ترجمه دکتر مهدی تقوی. دکتر حسن مدرکیان. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- کرجی، علی. ۱۳۸۲. اصطلاحات فلسفی و تفاوت آنها با یکدیگر. قم: نشر بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی. ۱۴۰۳ ق. بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی. حکمت: تهران.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. ۱۳۷۲ ش. «نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول». مجله رهنمون. شماره ۶. پاییز. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. ۱۳۷۴ ش. «احکام فقهی کاهش ارزش پول». مجله فقه اهل بیت (ع). شماره دوم.
- Bofinger, P. 2001. **Monetary Policy: Goals, institutions, strategies and instruments**. Oxford: Oxford university press.
- Keynes, J. M. 1971. **Treatise on money**. London: Macmillan.
- Knopp, G. F. 1924. **the state theory of money**. London: Macmillan.
- Harris, L. 1981. **Monetary theory**. New York: Mcgraw – Hill Book company.



- Hicks , J. R .1967. **Critical Essays in Monetary theory**. Oxford: Clarendon press.
- Masgrave, R .2009. "Chartalism – and why money has value". **Durham**. UK, [http:// charta. Blogspot. Com](http://charta.blogspot.com).
- Menger, K. 1892. “On the origin of money”. **Economic Jornal**. 2 (6): pp 55 – 239.
- Mosler, w. 2010. “Soft currency Economics”. [http: // moslereconomics . Com / mandatory – readings, soft – currency – economics](http://moslereconomics.com/mandatory-readings/soft-currency-economics).
- Ingham, G. 2000. “Babylonian mad ness: On the Historical and Sociological origins of money. In: John smithim”. 2000. **What is money?** Routledg, London and New York.
- Ingham, G .2004. **The nature of money**. Policy press. Cambridge.
- Rossi, Sergio. 2007. **Money and Payments in theory and practice**. London and New York: Routledge.
- Simmel , G (1990). **The Philosophy of Money**. Routledge , London and New york.
- South African Reserve Bank, Act 90 of 1989
- Schumpeter, J. A. 1994. **History of Economic Analysis**. London and New York: Routledge.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی